

بررسی چالش‌های اجرای آراء داوری در نظام حقوقی ایران

سیدمحمد ابراهیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱

چکیده

در تحقیق پیش رو به بررسی چالش‌های اجرای آراء داوری در نظام حقوقی ایران پرداخته شده و روش تحقیق در مطالعه پیش رو بصورت تحلیلی می باشد. نهاد داوری به عنوان یک روش حل اختلاف مبتنی بر توافق و تراضی طرفین اختلاف، از قدیم الایام مورد توجه و اقبال مردم قرار داشته است. این سیستم قراردادی موسوم به داوری مردمی دارای امتیازاتی است که آن را نسبت به سایر روش‌های حل اختلاف ممتاز ساخته است. رای داوری به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات در نظام حقوقی ایران، در سال‌های اخیر به شدت توجه مسئولین قضایی و قانون‌گذاران را به خود جلب کرده است. با توجه به پیشرفت فناوری و تحولات جهانی، رای داوری به عنوان یک روش سریع و کارآمد برای حل و فصل اختلافات در بین الملل نیز شناخته شده است. با این حال، برخی چالش‌های اجرایی در مسیر پذیرش و اجرای رای داوری در نظام حقوقی ایران وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

اجرای آراء، نهاد داوری، چالش داوری، نظام حقوقی ایران

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران. ebrahimi.vakil8100@gmail.com

مقدمه

داوری روشی برای حل اختلاف است که در آن طرفین به جای رجوع به نهاد قضائی، اختلاف خود را به یک یا چند داور مورد اعتماد ارجاع می دهند. آنها می توانند داوران را خود تعیین کرده یا تعیین آن را به شخص دیگری یا به دادگاه بسپارند. رجوع به داور می ممکن است در هنگام تنظیم قرارداد (به صورت شرط داور) پیش بینی شود یا پس از پیدایش اختلاف تصمیم به استفاده از آن گرفته شود. مهمترین دلایل استفاده از داور یکی این است که داوران برخلاف مراجع قضایی مکلف به رعایت قوانین و تشریفات زمانبر آیین دادرسی نیستند و در نتیجه سرعت رسیدگی به دعاوی بسیار بالاتر رفته و معمولاً هزینه بسیار کمتری نیز خواهد داشت.

در نظام حقوقی ایران، رای داور به عنوان یکی از روش های حل و فصل اختلافات تجاری و مدنی مورد استفاده قرار می گیرد. در این روش، داور یا داوران به عنوان شخص خودگردان و مستقل، براساس قوانین و مقررات مربوطه، به صورت غیر قضایی برای حل و فصل اختلافات بین طرفین در نظر گرفته می شوند. مبانی رای داور در نظام حقوقی ایران شامل قوانین و مقررات مختلف است که در طول سال ها تحت تأثیر قضاوت های دادگاه های عالی کشور بهبود یافته است. در این ساماندهی، قضات بالاترین دادگاه های کشور با تأکید بر احترام به حقوق طرفین، پذیرش رای داوران را تأمین کرده اند. تمامی موانع موجود بر سر راه اجرای رای داور علاوه بر آنکه سبب می شود تا پایه و اساس رای را بر حقیقت و اصول حقوقی استوار سازد، اطمینان خاطر را برای محکوم علیه نیز بوجود می آورد که یک دادرسی عادلانه صورت گرفته باشد. طرفین داور با تنظیم موافقتنامه داور و یا توافق بر امر داور، بطور ضمنی تعهد می نمایند که به رأی داور تمکین نموده و آن را اجراء نمایند. از مهمترین اوصاف و ویژگی های اساسی نهاد داور، لازم الاجراء بودن احکام و آرای آن بوده که در پرتو قوانین ملی و بین المللی و قواعد داور تثبیت یافته است.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران در مواد ۴۵۴ الی ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی باب هفتم به بحث تعیین داور پرداخته است در این خصوص می توان گفت گاهی داور، شخصیتی حقیقی است؛ یعنی طرفین قرارداد فردی را بعنوان داور انتخاب و در متن قرارداد به آن اشاره می کنند و گاهی به صورت شخصیت حقوقی است یعنی شرکت یا مؤسسه ای را به عنوان داور تعیین می کنند تا در صورت بروز اختلاف میان آنان داور کند. زمانی که طرفین برای حل اختلاف خویش داور انتخاب می کنند ممکن است موانعی بر سر راه آنها قرار گیرد که در رویه قضایی این موانع به چشم می خورد که از جمله این که رای داور صادره بدون هیچ قید و شرطی بایستی اجرا گردد یا اینکه در مرحله اجرا ممکن است با موانع و محدودیت هایی برخورد نماید و از این طریق در نیل به حقوق خود طرفین ناکام بمانند.

رای داور

داوری به معنی عمل داور، قضا، حکومت، قضاوت، حکم دیوان کردن. حکمیت محاکمه کردن و یکسو نمودن میان نیک و بد و حکم میان دو خصم آمده است. در اصطلاح قضایی: فعل داور است و داور کسی است که سمت قضا در دستگاه دولتی ندارد ولی در مراعات بالقوه یا بالفعل رسیدگی قضایی کرده و فصل خصومت نموده و رأی می دهد. در فقه نیز آن را تحکیم گویند. در رابطه با داور بین المللی، تعاریف مختلفی شده و هر کس بر اساس دیدگاه های حقوقی و وابستگی های خود به قانونگذار ی خاص تعریفی را ارائه نموده است اما از آن میان تعریف «پرفسور رنه داوید» در کتاب خود تحت عنوان داور در تجارت بین المللی جامع می باشد. به گفته وی «داور عبارت است از شیوه ای است که با استفاده از آن دو یا چند شخص حل مسئله ای را که در آن ذی نفع هستند به یک یا چند شخص دیگر داور یا

داوران می‌سپارند که اختیارشان در حل قضیه، ناشی از یک قرارداد خصوصی است و بر اساس این قرارداد تصمیم‌گیری می‌کنند (گلدوزیان، ۱۳۹۱، ۸۴). بدون آن که برای انجام این وظیفه از جانب دولت به آنها تفویض اختیار شده باشد.

داوری روشی از حل و فصل اختلافات است که در آن موضوع مورد اختلاف بین دو یا چند شخص، به وسیله یک یا چند شخص دیگر به نام داور یا داوران مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. فرهنگ‌های لغت، دانشنامه‌های حقوقی و همچنین اساتید حقوق، تعاریف گوناگونی از داوری ارائه داده‌اند. به طوری که تعریف اجماعی از داوری در دست نمی‌باشد. اگر چه این تعاریف از جهات زیاد دارای اشتراک و اختلاف می‌باشند. منظور از داوری حکمیت و از منظر قواعد دادرسی مدنی به معنی فصل خصومت توسط شخصی که می‌تواند غیر قاضی باشد، بدون رعایت تشریفات رسیدگی است. امروزه در خصوص داوری داخلی قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ حاکمیت دارد و شامل مواد ۴۵۴ الی ۵۱۱ است و در داوری‌های خارجی قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ حاکم است (شیروی، ۱۳۹۱، ۷۹).

توافق‌نامه یا موافقت‌نامه داوری عقدی است که به موجب آن طرفین توافق می‌کنند که دعوی موجود یا محتمل خود را، خواه در دادگاه مطرح شده باشد یا نه، برای رسیدگی و صدور رای، به داور ی یک یا چند نفر ارجاع نمایند که این موافقت‌نامه می‌تواند به صورت قرارداد داوری باشد و یا شرط داوری جزء مفاد قرارداد گنجانده شده باشد. یک قانون آیین دادرسی مدنی در باب داوری مصوب ۱۳۷۹: مقررات ناظر به داوری در حقوق ملی ایران، مقررات داوری مندرج در باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ می‌باشد.

در این قانون بر خلاف سایر قوانین و قواعد داوری، اشاره صریحی به قطعی و یا نهایی بودن آرای داوری نشده بلکه صرفاً در ماده ۴۸۸ قانون مزبور، به تکلیف دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داوری و یا دادگاه صالح رسیدگی به اصل دعوا، بنابر درخواست ذی‌نفع داوری و پس از گذشتن مدت ۲۰ روزه و عدم تمکین محکوم‌علیه بر اجرای داوطلبانه و اختیار ی صدور اجرائیه پیش‌بینی شده است. البته بنابر اصل شناخته شده در حقوق قضایی مبتنی بر اجرای آرای قطعی، تکلیف دادگاه دایر بر صدور اجرائیه، قرینه و اماره قطعی بودن آرای داوری است. کما اینکه بموجب ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب (ایوبی، ۱۳۸۴، ۱۲۷).

اقسام داوری

در حقوق، داوری به دو دسته اصلی داوری اختیاری و داوری اجباری تقسیم می‌شود. داوری اختیاری زمانی است که طرفین با توافق خود، اختلاف را به داوری ارجاع می‌دهند، در حالی که در داوری اجباری، ارجاع به داوری توسط قانون یا دادگاه تعیین می‌شود. انواع داوری در حقوق عبارتند از:

- داوری اختیاری^۱: در این نوع، طرفین با میل و اراده خود، با یکدیگر توافق می‌کنند که اختلافات خود را از طریق داوری حل و فصل کنند. این توافق می‌تواند در قرارداد اصلی یا در قرارداد جداگانه‌ای قید شود.
- داوری اجباری^۲: در این حالت، طرفین ملزم به ارجاع اختلاف به داوری هستند، چه بخواهند و چه نخواهند. این الزام ممکن است به دلیل قانون یا تصمیم دادگاه باشد (ابریشمی، محبوب، ۱۳۹۵، ۱۸).

¹ Voluntary Arbitration

² Mandatory Arbitration

محاسن و معایب داوری

در مورد مزایا و معایب داوری، برخی از نویسندگان حقوقی گفته اند: «در خصوص محاسن و معایب داوری بحث فراوانی است و در مقام مقایسه با مراجع قضایی رسم بر این است که سرعت و انعطاف پذیری آیین دادرسی داوری، تخصص داوران و آشنایی آنها به عمق اختلاف اصحاب دعوی، رازپوشی آنها در مورد علل و ماهیت اختلافاتی که به داوری ارجاع می شود و مواردی از این قبیل در ستون مزایای داوری قرار می گیرد. معمولاً آسیب پذیری نسبی نهاد داوری به علت عدم دقت در انشای شروط آن و استفاده نابجا و بی مورد از داوری و انتخاب داوران نامناسب معمولاً در ستون معایب قرار داده می شود. اگر هم داور علی رغم موارد فوق نتواند تصمیمات خود را با موازین قانونی و حقوقی مسلم اصحاب دعوی تطبیق دهد، در این صورت درب دستگاه عدالت بر روی هر یک از طرفین باز است و اقدامات و تصمیمات داور بلافاصله قابل ابطال در مراجع قانونی خواهد بود.» پس می توان نتیجه گرفت که داوری نهاد مفیدی بوده که در حل و فصل اختلافات نقش بسزایی ایفا می نماید که با وضع مقررات لازم و ایجاد ساختار منسجم و تدوین قوانین کافی و اعتبار آرای صادره و آموزش مسائل حقوقی به داوران می توان معایب آن را کاهش داد. در ذیل به چند مورد از فواید داوری اشاره می شود:

مناسب ترین و مسالمت آمیزترین مرجع حل و فصل اختلافات بین دعاوی بازرگانی بوده و تجار نیز برای آن اهمیت بالایی قائل هستند و رسیدگی در کمال دوستی ضمن رعایت احقاق حق طرفین به عمل می آید. رأی صادره در داوری به خواسته های طرفین نزدیک و مأنوس است چون خود طرفین خواستار ارجاع دعوی بین آنها به داوری بوده، لذا تبعیت و تمکین آنها نیز به آراء داوری بیشتر است. حل اختلافات توسط اهل فن و متخصصین امر به عنوان داور انجام می گیرد چون خود طرفین حق انتخاب داور را دارند لذا سعی می نمایند، داوران خود را از بین افراد خوشنام و خوش سلیقه انتخاب نمایند. قضات دادگاه ها انتصابی هستند ولی داوران عموماً از سوی طرفین اختلاف انتخاب می شوند. با معافیت از تشریفات دادرسی در مدت کوتاه، پرونده آنها به نتیجه می رسد (ایوبی، ۱۳۸۴، ۱۲)

چالش های داوری

ساختار نظام حقوقی داوری در ایران در جهت تبیین ساختار نظام حقوقی داوری در ایران مواد ۴۵۴ الی ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان مقررات مربوط به نظام حقوقی داوری داخلی در صورتی که طرفین اختلاف ایرانی باشند؛ دارای اعتبار می باشد. در عین حال با تصویب قانون ۳۶ ماده ای داوری تجاری بین المللی در سال ۱۳۷۶ نظام حقوقی داوری تحت حاکمیت دوگانه ای قرار گرفت به نحوی که این قانون در صورتی اعمال می گردد که یکی از طرفین اختلاف ایرانی باشند. البته شرط اخیر در مقررات آنستیرال که قانون داوری بین المللی ایران از آن تبعیت کرده است؛ در آن وجود ندارد؛ بنابراین شرط اخیر در صورتی لازم الاجراست که مقر داوری در ایران نیز باشد (شیروی، ۱۳۹۱، ۳۵ و ۳۶). فقدان یک قانون داوری مدرن میتواند مانعی بر سر راه توسعه و گسترش داوری در کشورها باشد بویژه در کشورهایمانند ایران که قسمت عمده ای از اختلافات دارای ماهیت داخلی هستند در خصوص نظام داوری داخلی باید گفت این نظام همچنان بر مبنای ایده های قانونگذاری ۸۰ سال پیش استوار بوده و با رویه های مدرن داوری دنیا سازگار نمی باشد. به عنوان مثال عدم اعطای اختیار به دیوان داوری برای صدور دستور موقت فراهم کردن زمینه های گسترده برای ابطال آرای دیوان های داوری توسط دادگاه ها و عدم به رسمیت شناختن داوری سازمان از جمله مواردی هستند که مخالف با

روح داوری و مغایر با ایده‌ها و رویه‌های مدرن داوری می‌باشند موارد ذکر شده نه تنها باعث تسهیل و تسریع در رسیدگی به اختلافات توسط داوری نمی‌شوند بلکه می‌توانند منجر به دخالت دادگاه‌ها در امور ماهوی گردند که این خود بر فرآیند داوری می‌افزاید و بر خلاف اراده طرفین داوری می‌باشد. در همین راستا در ایران داوری نه تنها منجر به کاهش پرونده‌های سیستم قضایی نشده است بلکه سبب افزایش و مشکلات عدیده برای دستگاه قضا شده است (ابریشمی و محبوب، ۱۳۹۵، ۲۱) همچنین تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ به عنوان نیاز آن روزهای جامعه داوری ایران در امور مربوط به داوری بین‌المللی محسوب می‌گردید و از آن به عنوان تحولی عظیم در نظام حقوقی داوری در ایران یاد می‌شد.

با این حال این قانون اگرچه بر مبنای مقررات نمونه آنستیرال تنظیم گردید و ایران را در زمره کشورهای تبعیت‌کننده از مقررات نمونه قرار داد اما تغییرات اعمال شده در، قانون آن را از روح مقررات نمونه دور ساخت مواردی همچون مبنا قرار دادن عنصر تابعیت برای تمییز بین داوری داخلی و داوری بین‌المللی تفاوت در مفهوم معیار مکتوب بودن موافقتنامه داوری با قانون نمونه عدم ذکر ماده‌ای همچون ماده ۵ قانون نمونه به منظور مشخص ساختن و قاعده مند کردن موارد دخالت دادگاه‌ها و نیز افزایش قلمروی موارد ابطال آرای داوری نسبت به قانون نمونه از جمله مواردی است که نقاط ضعف قانون داوری بین‌المللی محسوب می‌شود گرچه از مقررات نمونه آنستیرال، قانون داوری بین‌المللی تبعیت کرده است؛ با این حال در جاهایی که در آن قانون نوآوری‌هایی شده است؛ مثل داوری، نهادی دستور موقت و تامین خواسته، اصل بی‌طرفی و استقلال داوران، اصول اساسی آیین داوری، قانون حاکم و در نهایت شناسایی و اجرای رای سبب ابهامات و ایراداتی نیز شده است (صفایی، ۱۳۷۵، ۹).

مدت داوری در قانون آیین دادرسی مدنی

بر اساس ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، «در هر موردی که داور تعیین می‌شود باید موضوع و مدت داوری نیز تعیین و به داور ابلاغ گردد». ممکن است طرفین قرارداد به اتفاق با تعیین داور در شرط داوری و یا قرارداد داوری و حتی پیش از به وجود آمدن اختلاف در رابطه با مدت داوری توافق کنند. به نظر می‌رسد با در نظر داشتن شرایط و اوضاع و وضعیتی که هر موضوع اختلافی، امکان دارد داشته باشد بهتر است طرفین پس از به وجود آمدن اختلاف در مورد مدتی که ضروری است داوری صورت گیرد تصمیم‌گیری کنند. با در نظر گرفتن این که، داوری نهادی توافق محور است بنابراین می‌تواند طرفین در شرایط ضروری، مدت داوری که بر آن به توافق رسیده‌اند را کم یا زیاد کنند؛ به تعبیری دیگر طبق اصول و قواعد داوری امکان تمدید مهلت داوری را خواهند داشت (آذربایجانی، سماواتی پور، ۱۳۹۳، ۲۶۴).

سرعت در رسیدگی: با در نظر گرفتن اهمیت سرعت در برطرف کردن اختلافات به ویژه اختلافات تجاری فقط نهادی که امکان دارد انتظار تجار را محقق نماید، نهاد داوری می‌باشد. به این صورت که داور می‌بایست الزاماً ظرف مدت زمان ۳ ماهه انشاء رأی کند. در صورتی که اوقات رسیدگی در مراجع قضایی به طور معمول ماه‌ها بعد از زمان ارجاع دعوی به شعبه، مشخص می‌گردد و این اوقات مضاف بر زمان‌های نظارتی می‌باشد که بسته به حجم رسیدگی و پرونده‌های هر شعبه دادگاه، پس از جلسه رسیدگی به منظور انشاء رأی مشخص می‌شود. به خصوص که فسخ تشریفات زمانبر آیین دادرسی در رسیدگی‌های داوری موجب سرعت بخشیدن در رسیدگی برای دو طرف گردیده است.

قطعی بودن آراء داوران: محقق شدن و لازم الاجراء بودن آرای داور ی از آنجاست که آرای داوران مخالف با آرای دادگستری، محکوم علیه رأی داور نمی تواند از راه های گوناگون شکایت اعم از واخواهی، تجدیدنظرخواهی، اعاده دادرسی و نیز فرجام خواهی از اجرای رأی داور جلوگیری کند. از این رو به این دلیل نسبت به آرای دادگستری ارجحیت دارد و همچنین به موجب ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی، «دادگاه های جمهوری اسلامی ایران موظف هستند نسبت به صدور اجرائیه مطابق با رأی داور اقدام و حکم داور را از طریق اجرای احکام دادگستری اجرا نمایند.» (مافی، پارسافر، ۱۳۹۱، ۱۴۲)

دخالت دادگاه پیش از اجرای رأی داور

در این فرض دخالت دادگاه به صورت رسیدگی به اعتراض به رأی داور تظاهر و نمود پیدا می کند. بر طبق ماده ۴۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، هر یک از طرف های اختلاف حق دارند در مواردی، به رأیی که داور صادر کرده است، اعتراض کنند. البته، آن ها برای اعتراض به رأی مهلت مشخصی دارند به این توضیح که زمانی که داور رأی خود را صادر کرد، این رأی به طرف های اختلاف ابلاغ می شود تا از آن مطلع شوند. کسی که رأی به او ابلاغ شد از تاریخ ابلاغ، بیست روز و در برخی موارد، دو ماه فرصت دارد که اگر می خواهد به دادگاه برود و به رأی داور، اعتراض کند (جعفریان، ۱۳۹۴، ۶۲).

اجرای رأی آخرین مرحله در جریان داوری است. این واقعیت که رأی داوری همانند تصمیم قضای الزام آور است مستلزم حد معینی از نظارت دادگاه در خصوص مشروعیت و قابلیت اجرای آن است. چنین نظارتی می تواند هنگام ارزیابی دادگاه از مبانی امتناع از اجرای رأی داور به عمل آید. چنانچه محکوم علیه از اجرای رأی داور سر باز زند قانون با حمایت از اجرای اجباری رأی به آن ضمانت اجرای لازم را می دهد. کنترل قضایی رأی داوری با توجه به انحلال مرجع داوری بعد از صدور رأی نقش مهم دادگاه های دولتی را در جریان داوری مهم و تأثیرگذار جلوه می دهد. علاوه بر اینکه رس یدگی مرجع داوری یک مرحله ای بوده و اساساً مرجع مزبور از قدرت اجرایی برای اجبار طرف ممتنع به اجرای رأی برخوردار نیست؛ بنابراین، تصمیمات آن می باید توسط دادگاه های دولتی به اجرا درآید. در صورت عدم اجرای رأی داور به وسیله محکوم علیه دادگاه مکلف به صدور اجرائیه است. این امر زمانی محقق می شود که ذینفع تقاضای اجرای رأی داور را از دادگاه نماید. برای اجرای رأی داور در ابتدا چنین رأیی باید به وسیله نظام حقوقی کشور محل داوری مورد پذیرش قرار گیرد (شهابی، ۱۳۹۰، ۴۸).

موانع منجر به ابطال رأی داور

مفهوم حقوق بشر اغلب در کنار دو مفهوم «حقوق اساسی» و «حقوق شهروندی» مطرح می شود. این سه مفهوم، گاه مترادف جانشین یکدیگر به کار می روند اما در تفکیک مفهومی مرزهای ظریفی میان این مفاهیم سه گانه و دلالت موضوعی وجود دارد. می توان گفت حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که در قانون اساسی هر کشوری شکل «ملی» به خود می گیرد و فقط شامل حال شهروندان همان کشور خاص می شود (مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است) به موجب ماده ۴۳۱ ق. آ. د. م. رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد.

رأی صادره مخالف قوانین موجد حق باشد

داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده، رأی صادر کرده باشد

داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد
 رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد
 رأی داور ی با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است
 مخالف باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۱، ۱۹۸).

برخی از حقوق دانان معتقدند به استثنای موردی که رأی داور با نظم عمومی و اخلاق حسنه در تضاد است، اگر ذینفع به
 استناد ماده ۴۳۱، بطلان رأی داور را درخواست نکند و رأی داور مشمول یکی از بندهای مذکور در ماده ۴۳۱ باشد،
 دادگاه همچنان مکلف به اجرای رأی داور است. به عنوان مثال اگر داور در مقام تقسیم ترکه سهم مساوی برای پسر و
 دختر قائل شود، رأی او به دلیل مخالفت با شرع باطل و بلااثر است اما اگر داور خارج از مهلت داوری رأی داده باشد،
 این مورد بیش از آنکه به نظم عمومی ارتباط پیدا کند، به طرف دعوا مربوط است و اگر وی حقی برای خود قائل می
 بود، می بایست اعتراض می کرد (جنیدی، ۱۳۹۳، ۱۰۹).

موانع اجرای رأی داوری خارجی در ایران

مواردی که مانع اجرای آرای داوری های بین المللی می شوند به ۷ دسته از جمله: موانع قابل ابطال، موانع باطل کننده،
 موارد غیر قابل ارجاع به داوری، مواردی که داوری از بین می رود، آراء مخالف با قوانین موجود حق، هم تبعه بودن،
 موارد مخالف اصل یکصدوسی ونهم قانون اساسی می باشند که به توضیح مختصر هر کدام به صورت جداگانه می
 پردازیم.

موانع قابل ابطال این موانع که در مقررات مختلف آمده اند کلاً در ماده ۳۳ لایحه داوری تجارت بین المللی جمع آمده
 اند. این ماده به شرط تصویب نهایی مقرر می دارد که رأی داوری در مواردی از جمله یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده
 باشد، معتبر نبودن موافقت نامه، داوری، عدم رعایت مقررات مربوط به ابلاغ درخواست داوری داور خارج از حدود
 اختیارات خود رأی داده باشد، قرارداد داوری مشتمل بر نظر موافق یا موثر داور جرح شده باشد.

موانع باطل کننده ماده ۳۴ لایحه داوری تجاری بین المللی، همانند ماده ۶۶۵ ق.آ.د.م در موارد زیر رأی داور یا هیات
 داوری را اساساً باطل و غیر قابل اجرا می داند از جمله: در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران
 قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد. در صورتی که مفاد که مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد
 آمره این قانون باشد (صدرزاده افشار، ۱۳۹۲، ۱۲۷).

قانون آیین دادرسی مدنی در زمینه داوری مصوب ۱۳۷۹

قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در زمینه داوری، شامل مواد ۴۵۴ تا ۵۱۱ است. این مواد به موضوعاتی مانند
 ارجاع اختلاف به داوری، شرایط داور، روند داوری و ابطال رأی داوری می پردازند. به طور خلاصه، این قانون به
 اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند، اجازه می دهد اختلافات خود را با توافق به داوری ارجاع دهند و شرایط و روند این
 فرآیند را مشخص می کند (شمس، ۱۳۹۳، ۵۰). مهمترین نکات قانون داوری در آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹:

- ارجاع به داوری: کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند با تراضی یکدیگر اختلافات خود را به
 داوری ارجاع دهند، چه این اختلافات در دادگاه مطرح شده باشند و چه نشده باشند.
- شرایط داور: داوران باید اهلیت داشته باشند و در مواردی که طرفین داور را انتخاب می کنند، باید شرایط تعیین
 شده در قرارداد را داشته باشند.

- روند داوری: داوران باید به شکایات و دفاعیات طرفین رسیدگی کنند و رای خود را صادر کنند. این روند شامل دعوت طرفین به جلسه، رسیدگی به ادله و مدارک و صدور رای است.
 - ابطال رای داوری: رای داور در موارد خاصی مانند مخالفت با قوانین موجد حق، صدور رای خارج از حدود اختیارات، یا انقضای مدت داوری، قابل ابطال است.
 - حق الزحمه داوری: میزان حق الزحمه داوران طبق آیین‌نامه‌ای است که توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.
 - موارد خاص: برخی از دعاوی مانند دعاوی ورشکستگی و دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب، قابل ارجاع به داوری نیستند (قنبری، ۱۳۹۳، ۷۹).
- توضیحات بیشتر در زمینه این قانون به شرح زیر می‌باشد:
- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، باب هفتم خود را به داوری اختصاص داده است.
 - مواد ۴۵۴ تا ۵۱۱ این قانون به طور مفصل به مسائل مربوط به داوری پرداخته‌اند.
 - این قانون به طرفین اجازه می‌دهد که داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین کنند.
 - در صورتی که طرفین در تعیین داور اختلاف داشته باشند، می‌توانند انتخاب داور را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار کنند.
 - قانون داوری در آیین دادرسی مدنی، راهکاری برای حل اختلافات به صورت سریعتر و تخصصی‌تر نسبت به رسیدگی در دادگاه‌ها ارائه می‌دهد.
 - به طور کلی، داوری یک روش جایگزین برای حل اختلافات است که در آن طرفین با توافق، یک یا چند داور را برای حل و فصل اختلافات خود انتخاب می‌کنند (رسول زاده فرساد، علوم، ۱۳۹۸، ۲۴).

ضعف سیستم قضایی در داوری

از مصداق‌های ضعف سیستم قضایی داوری در ایران این است که دادگاه‌ها در ایران در اغلب موارد از اجرای آرای سایر نهاد های داوری بین المللی در ایران امتناع می‌کنند به نحوی که در ایران این اجازه داده شده است که ابطال رای صادره از کشور دیگر را به عنوان مبنای معتبر برای رد درخواست شناسایی و اجرای آن رای در کشور ایران قلمداد کرده اند در حالی که در هیچ یک از کنوانسیون های بین المللی این اجازه به کشور عضو مبنی بر عدم اجرای آرا به دلیل مذکور وجود ندارد. همچنین در ایران علاوه بر اینکه باید رای داوری بر خلاف نظم عمومی نباشد؛ نباید بر خلاف اخلاق حسنه در ایران باشد و به دلیل اینکه تفسیر این دو مقوله مخصوصا اخلاق حسنه معلوم نیست در عمل بسیاری از آرای داوری ملغی در مرحله اجرای اجرا نیز می‌شوند (اسکندری، ۱۳۸۷، ۳۳ و ۳۷).

در حالی که در سیستم های حقوقی ژنو و نیویورک چنین دخالت های قضایی اصالی پذیرفته نشده است و قوانین به نحوی نوشته شده است که فقط در موارد محدودی دادگاه های ملی هر کشور در صورتی که با قوانین آمره آن کشور رای داور مغایر نیز می‌باشد اعتراض به داوری انجام شود و از موارد بطلان قرار گیرد نه اینکه رسیدگی ماهوی در هر اعتراضی به آرای داوری صورت پذیرد (صفایی، ۱۳۷۵، ۱۳۶). در بیشتر نظام های حقوقی دنیا امکان نوعی نظارت قضایی بر جریان رأی داوری در قالب امکان اعتراض به رأی داوری پیش بینی شده است. علی‌رغم گرایش آشکار مبنی

بر عدم مداخله دادگاه‌ها در رسیدگی‌های داوری و حصری کردن موارد دخالت دادگاه‌های دولتی، نظام‌های حقوقی معاصر به ویژه انگلیس و آلمان به حذف کامل این نوع نظارت قضایی دادگاه‌ها بر جریان داوری تن در نداده‌اند. نکته حائز اهمیت این است که موارد دخالت دادگاه در امر داوری و میزان تاثیر آن باید تعیین شود. در عصر حاضر، به جهات گوناگون از جمله سرعت داوری سعی بر کاهش مداخله قضائی و استقلال هر چه بیشتر امر داوری است. فلسفه مداخله کمتر دادگاه‌ها در داوری و استقلال بیشتر نهاد داوری بر دو عامل استوار است. اول آن که هدف از این امر تشویق به انجام داوری در کشورها با محدود نمودن مصادیق مداخله دولت‌ها و جلب اعتماد تجار بین‌المللی است. دومین عامل کاهش مداخله دادگاه‌ها و منحصر کردن دخالت آنها همسو با رویه موجود در نظام بین‌المللی با هدف تسریع جریان داوری است. در حالی که برخی از نویسندگان از بازنگری ماهوی رأی داوری توسط دادگاه حمایت می‌کنند و آن را مساعدت دادگاه در امر داوری تلقی می‌کنند اما دیگران به درستی چنین نظارتی را گویای عدم اعتماد به عدالت داوری تلقی کرده‌اند. (Wallace, 1990, 259) در همین راستا علی‌رغم اینکه قانون آیین دادرسی مدنی و داوری تجارت بین‌المللی ایران قابل به لزوم شرایط لازم برای موافقت نامه‌ی داوری شده‌اند اما دادگاه‌ها با تفسیر موسعی از دخالت قضایی خویش خود را صالح برای بررسی شرایط لازم موافقت نامه‌ی داوری دانسته‌اند در حالی که این امر فقط در زمانی که داوری از طریق دادگاه ارجاع شده است یا اینکه اعتراضی به رای داور در مرحله‌ی اجرا به نهادهای قضایی شده است؛ باید صورت پذیرد نه اینکه در هر موردی دادگاه قبل از رسیدگی داور دخالت قضایی بکند (مافی و پارسافر، ۱۳۹۰، ۱۰۹).

همچنین به دلیل روشن نبودن ماده‌ی ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر کرده است داوران در رسیدگی و صدور رای تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند این مقررده موجب شد برخی چنین تصور کنند که این امکان برای داوران وجود دارد تا بر اساس مجوز آیین دادرسی مدنی اصول را به بیان تشریفاتی بودن زیر پا بگذارند و جریان داوری را به شیوه خاص خود طراحی و اجرا کنند یا اینکه طرفین داوری از قبل با پیش‌بینی آیین دادرسی مدنی و مقرراتی ویژه چنین حقی را به داوران خود اعطا کنند در همین راستا بسیاری آرای صادره از جانب داوران توسط دادگاه‌ها در ایران ابطال نیز شده است صرف نظر از اینکه دو دیدگاه حقوقی وجود دارد گروه اول عقیده دارند گرچه طرفین حق دارند داوران خود را انتخاب و آیین داوری مربوط را نیز تعیین کنند، برخلاف این حاکمیت اراده، اصولی در داوری است که رعایت نکردن آنها سبب خدشه دار شدن داوری می‌شود در مقابل عده‌ای از حقوق دانان مقید دارند دست طرفین داوری تا حدی باز است که از داوران خود بخواهند برخی اصول را زیر پا بگذارند یا برخی تشریفات راحت را رعایت کنند، زیرا به عقیده ایشان اصول دادرسی هر چه باشد به خودی خود یارای مقابله با قصد طرفین را ندارد و قصد طرفین داوری اولی بر این اصول خواهد بود (آذربایجانی و سماواتی، ۱۳۹۳، ۳۳۹ و ۳۴۰).

به نظر می‌رسد که رعایت برخی اصول دادرسی و تشریفات لازم است و منظور ماده‌ی فوق نیز همین است. به هر حال عملکرد دوگانه‌ی دادگاه‌ها در پذیرش و رد داوری بدون تشریفات سبب دوری مردم از داوری در ایران نیز شده است. دخالت دادگاه‌ها در امر داوری نه تنها مخل جریان داوری نیست بلکه می‌تواند جنبه حمایتی نیز داشته باشد. با این وجود، دخالت دادگاه باید دارای چارچوب و محدوده خاصی باشد تا با هدف طرفین از ارجاع امر به داوری که همان ایجاد مرجع خصوصی و عدم دخالت مراجع قضایی در موضوع اختلاف می‌باشد معارض نباشد؛ زیرا اگر در مواردی

دادگاه بدون اذن قانونی و یا اصحاب دعوی در جریان داوری دخالت نماید چه بسا باعث بی عدالتی و تضییع حق یکی از طرفین یا حداقل باعث اطاله رسیدگی و تاخیر در اجرای رأی داوری شود. داوری نهادی مستقل است که توسط قانونگذار به آن قدرت داده شده است و از ماهیت قراردادی برخوردار است. به همین دلیل تجدید نظر ماهوی دادگاه ها در رأی داوری مغایر خواست طرفین در استقرار و بر پایی یک مرجع بی طرف است که می باید بر طبق قواعد و قوانین منتخب طرفین اتخاذ تصمیم نماید.

در همین راستا به نظر می رسد با دادن اختیاراتی قانونی به نهاد داوری می توان از دخالت سیستم قضایی جلوگیری بشود؛ بنابراین بنا بر آنچه که گفتیم دادگاه ها فقط باید محل اعتراض به آرای داوری باشند و آنان نه با رسیدگی ماهوی کامل بلکه با رسیدگی در این حد که آرای صادره بر خلاف نظم عمومی و قوانین آمره نیست و یا اینکه از موارد ممنوعیت داوری در آن موضوع نیست. به اعتراض مذکور رسیدگی کنند و یا اینکه بر طبق سایر موارد مواد ۳۳ و ۳۴ قانون تجارت بین المللی داوری فقط رسیدگی سطحی و شکلی صورت پذیرد (مافی و پارسا فر، ۱۳۹۰، ۱۳۳ و ۱۲۶).

لازم به ذکر است که در دادگاه های ایران رویه ای ایجاد شده است که صلاحیت قضایی را مقدم بر صلاحیت داوری قرار می دهند در صورتی که ارجاع به نهاد داوری بین المللی در موافقت نامه ی داوری وجود داشته باشد. در همین راستا در رای صادره در شعبه ی ۲۵ دادگاه حقوقی سابق در سال ۱۳۷۴ علی رغم اینکه طرفین در موافقت نامه ی داوری ارجاع به نهاد داوری بین المللی را پیش بینی کرده بودند. چنین استدلال شد ایراد خواننده مبنی بر اینکه هیچ گاه به صلاحیت مراجع قضائی ایران تسلیم نشده و بنابراین دادگاه حاضر فاقد صلاحیت برای رسیدگی به دعوی مطروحه می باشد موجه نیست زیرا این قاعده که قاضی هر دادگاهی که دعوی نزد او مطرح شده آیین دادرسی کشور متبوع خود را برای احراز صلاحیت (یا اعلام عدم صلاحیت) اعمال می کند و در این رابطه فارغ از تسلیم یا عدم تسلیم طرف دعوا به صلاحیت آن است. قاعده شناخته شده ای است که بر اساس اصل استقلال و حاکمیت ملی کشورها استوار است و خارج از حوزه صلاحیت طرفین دعوا قرار می گیرد بنابراین رویه ی مذکور بر حالتی است که به اراده ی طرفین توجهی نمی شود و خود این امر گویای عدم رغبت به داوری در ایران نیز شده است (عابدی، ۱۳۸۵، ۹۲ و ۹۳).

بحث و نتیجه گیری

اجرای آرای داوری در نظام حقوقی ایران با چالش هایی مواجه است که شامل ابهامات قانونی، اختلافات رویه قضایی و موانع اجرایی می شود. این چالش ها به طور کلی شامل موارد زیر هستند: ابهامات در تفسیر و اجرای قانون داوری، اختلافات در رویه قضایی دادگاه ها در خصوص آرای داوری و مشکلات مربوط به فرآیند اجرا و ابلاغ آرا. چالش های اصلی اجرای آرای داوری در نظام حقوقی ایران عبارتند از: ۱- ابهامات قانونی: قانون داوری ایران دارای ابهاماتی است که منجر به تفسیرهای متفاوتی از سوی دادگاه ها می شود. این ابهامات به ویژه در مواردی مانند ابطال رأی داوری و اختیارات داور مشهود است. فقدان یک کانون داوری واحد و قوانین مدون برای داوری، از دیگر چالش های قانونی است که باعث عدم یکپارچگی در رویه داوری می شود. ۲- اختلافات رویه قضایی: دادگاه های مختلف ممکن است در خصوص یک رأی داوری، آرای متفاوتی صادر کنند که این امر عدم قطعیت را افزایش می دهد. محدودیت های اعمال شده توسط محاکم در اجرای آرای داوری، به ویژه در مواردی که رأی داوری به نحوی با قوانین و مقررات داخلی مغایرت داشته باشد، از دیگر مشکلات است. موانع اجرایی، اجرای آرای داوری در نظام حقوقی ایران در برگیرنده این موارد است. فرآیند ابلاغ اوراق و وقت رسیدگی در داوری می تواند زمان بر و دشوار باشد. چالش های

مرتبط با جرح و تعدیل داور و همچنین ضمانت اجرای آرای داوری، از دیگر مشکلات اجرایی هستند. در برخی موارد، موانعی در مسیر اجرای آرای داوری که قبلاً باطل شده‌اند، وجود دارد. و در نهایت راهکارهای اجرای آرای داوری در نظام حقوقی ایران شامل موارد زیر می‌باشد: تلاش برای رفع ابهامات قانونی و یکپارچه‌سازی قوانین داوری در ایران، ایجاد رویه‌ای یکسان و شفاف در دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با داوری، بهبود فرآیند ابلاغ اوراق و تعیین ضمانت اجراهای مؤثر برای آرای داوری، ایجاد یک کانون داوری مستقل و کارآمد با هدف ارتقای سطح داوری و نظارت بر آن.

منابع و مأخذ

- ابریشمی، علی، محبوب، مسعود (۱۳۹۵)، ساختار حقوقی نظام داوری، فصلنامه پژوهش حقوق، خصوصی، سال پنجم، شماره شانزدهم، ص ۲۹-۹.
- آذربایجانی، علی رضا سماواتی پور، محمد رضا (۱۳۹۳) تبیین جایگاه اصول و تشریفات در دادرسی داوری، فصلنامه ی حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ی ۱۱ شماره ی ۲، ص ۳۲۷-۳۵۷.
- اسکندری، حسین (۱۳۸۷) آثار اعتراض به رای داوری در کنوانسیون های بین المللی و حقوق داخلی، فصلنامه ی حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ی ۴۰، شماره ی ۴.
- ایوبی، فاطمه، (۱۳۸۴) چگونه با داوری اختلافات حقوقی خود را مسالمت آمیز حل کنیم، انتشارات سخن گستر.
- جعفریان، منصور، (۱۳۹۴). شناسایی و اجرای آراء داوری، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۱۳.
- جنیدی، لعیا، (۱۳۹۳)، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین المللی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، چاپ اول.
- رسول زاده فرساد، علی و علومی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). چالش های اخلاقی اجرای رای داور در نظام حقوقی ایران. پژوهش های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی)، ۱۰(۱)، ۱۲۹-۱۵۲.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۳)؛ آیین دادرسی مدن ی: دوره پیشرفته، تهران، دراک، چاپ یازدهم، جلد سوم.
- شهابی، مصطفی، (۱۳۹۰). داوری وقانون اساسی، انتشارات کمیته اتاق بازرگانی.
- شیروی، عبد الحسین، (۱۳۹۱)، داوری تجارت بین المللی، انشارات سمت، چاپ اول.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن، (۱۳۹۲) آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ هفتم، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
- صفایی، سید حسین (۱۳۷۵)، حقوق بین الملل و داوری های بین الملل نشر میزان، چاپ اول.
- عابدی، محمد تقی (۱۳۸۵)، صلاحیت قضایی و صلاحیت داوری، مجله ی حقوقی مرکز امور بین الملل مطالعات ریاست جمهوری، شماره ی ۳۵ ص ۸۹-۱۴۶.
- قنبری، علیرضا، (۱۳۹۳) مقایسه قانون داوری تجاری بین المللی ایران سال ۳۱ و مقررات داوری آیین دادرسی مدن ی ایران، «راه و کالت»، شماره ۲.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۱) نقش داوری اتاق بازرگانی بین الملل و مقررات آن در حل اختلافات ناشی از فعالیت های بین المللی و موقعیت، نشریه دانشگاه تهران، شماره ۲۳.
- مافی، همایون، پارسافر، جواد (۱۳۹۰)، دخالت دادگاه ها در رسیدگی های داوری در حقوق ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی، ۱۰۵-۱۳۰.

Wallace, D, (1990), Control by the Courts: A Plea for More, Not Less, *Arbitration International*, Vol. 6 No. 3, pp253-267